



۲۰۱۴/۰۱/۲۰

دوكتور محمد اكبر يوسفی

تصاویری چند از گذشته افغانستان!

تاریخ، فرهنگ، منابع و طبیعت و مهارت کاری و علمی تخنیکي انسان های یک جامعه، در غلبه بر طبیعت و استفاده مؤثر از آن، خطوط و شاخص هایی را در ماهیت زندگی آن تعیین می نماید. افغانستان، سرزمینی است که آثار زندگی «قدیمی ترین» انسان درین قلمرو دیده شده است. آثار تاریخی کهن، یکی از قوای جاذبه یک کشور، در جلب «جهانگردان» و «توریست ها»، که در عصر و زمان امروزی در پهلوی سائر جوانب مثبت، از اهمیت اقتصادی نیز برخوردار می باشد، زمینه های مساعدی را هم در توسعه و تحکیم مناسبات فرهنگی با کشور های خارجی، فراهم می سازد.

افغانستان زمان سلطنت و یا بعبارت دیگر قبل از بحران اخیر، به «آثار تاریخی» نسبت به هر زمان دیگر توجه داشته است. شخص «پادشاه» توجه خاص به «جلب اریکالوژیست» های خارجی، در ساحة حفريات «آثار» و گنجینه های پوشیده در سراسر کشور، مبذول داشته است. (عکس اولی سمت «چپ»، «مجسمه «سیراپس» از منابع «انترنت» گرفته شده است، که آنرا از افغانستان شناخته اند. سالنامه «کابل تایمز ۱۹۶۷م» همچنان این «مجسمه کوچک» را بدست نشر سپرده، آنرا از جمله «یافته ها»، در «بگرام» یاد نموده و از قرن چهار و پنج

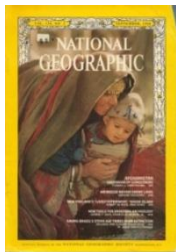


This bronze statuette of Hercules-Serapis was found in Begram along with many other precious objects.



میلادی، تخمین شده است. (در پایان تصویر «سالنامه کابل تایمز: این مجسمه کوچک «برنز» از «هیرکولس - سیراپس» (از «خدایان «هیلینو - ایجیپت»: نویسنده) که در بگرام با تعداد کثیری از دیگر پدیده های پر ارزش یافت شده است. برای وضاحت بیشتر، قسمت کله مجسمه از «انترنت گرفته شده است.)

«نیشنل جیوگرافی» در شماره سپتمبر ۱۹۶۸م آن، گزارش تصویری مفصلی را، با متون کوتاه منتشر ساخته است، که جوانب مختلف حیات اجتماعی - فرهنگی و طبیعت سرزمین افغانستان را در چهارونیم دهه قبل، انعکاس داده است. وقتی به این تصاویر نگاه کنیم، با کمی تعمق می توان تا حدی نتیجه گرفت، که برای این گزارشگر «نیشنل جیوگرافی»، کافی بوده است، تا بر رضایت خوانندگان کشور خود مطمئن باشد. با نشان دادن همچو تصاویر، خوانندگان را جلب می کند، این نشریه از نام و شهرت خاص برخوردار است، از جانب دیگر ازین طریق، به جهات عمده «کلتر» و توانمندی اقتصادی، که وابسته به نحوه و سطح تولیدی است، نیز تصویر معینی را بدست می آورد.



«نیشنل جیوگرافی» این تصویر یک «خانم» کوچی را، در «بشتی» مجله تعیین نموده، می نویسد که این خانم، «طفل» خود را، در وقت «کوچ و بار» «بر پشت» شتر، جای می دهد. طبق معمول «اطفال» پیر مردان و پیر زنان» در وقت سفر، بر پشت شتر و سائر حیوانات حمل می کردند، متباقی، پیاده، از محل به محل دیگر، حیوانات خود را بدرقه می نمایند.

وقتی به تصورات و نوشته های بعضی ها، بخصوص هموطنان «مهاجر» در «اروپا»، «امریکا» و «آسترلیا» نظر اندازیم، می تواند چنین انتباه هم حاصل گردد، که بعضی ها ممکن فارغ از طرز دید و انتظار نباشند، تا

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

«چهره های» معجزه نما، چون «هیرکولس» افسانوی یونانی، یا «سوپر مین» و «سپایدر» بازیگران فلم های «مردن کمپیوتری» کنونی، که برای «سرگرمی» در «جوامع» غربی تولید و به نمایش گذاشته می شود، در صحنه سیاسی - اجتماعی افغانستان، آرزونمایند.

ممکن بهمین علت هم باشد، که این افراد، هر آنچه در گذشته، بعنوان پدیده مثبت وجود داشته است، بنابر دلایل دلخواه، منفی جلوه داده، همه چیز را بی اهمیت می دانند. بنابراین می توان مطمئن بود، که فرزندان «مهاجر»، هموطن ما، با اقلیم و تفاوت های مشهود در طرز زندگی و سطح تعلیمی و غیره، در کشور چه در حال حاضر و چه در سابق بخوبی، آگاهی لازم و کافی داشته باشند. لازم است، تا در صورت ممکن در پهلوی آرزو ها، به شرایط عینی و حقایق هر زمان جامعه توجه شود.

حال در قید شرایط و دسترسی ناقص به منابع، با جمع آوری تصاویر نمونه، تلاش صورت خواهد گرفت، تا حد اقل «فکت ها» و حقایق را در باره جامعه ما، حاصل نمائیم، تا دیده شود که، رژیم سلطنتی، ولو هر قدر نا راضی، تلخی و کمیودی ها را هم بیاد داشته باشیم، در تحت «چه» شرایط، در راه اعمار اساسات «اقتصادی» و «صنعتی» در «جهت» تجدد در جامعه اقدام نموده، و هم چنان، قریب چهار سال قبل از نشر این گزارش «نیشنل جیوگرافی»، در اقدام به شیوه حکومت داری، مبتنی بر اصول و روش «دیموکراسی» قدم برداشته است. بدین معنی که ترکیب اجتماعی چگونه بوده است؟ اتباع کشور در چه سطح تعلیمی قرار داشته اند؟، از محصول چه کار و از کدام نوعی از منابع طبیعی و محصول کار و تولید نعم مادی زندگی داشته اند؟



آیا پرداخت مالیات از عواید اتباع، برای سرمایه گذاری و ایجاد نو آوری های لازم کافی بوده است و یا خیر؟ از جانب دیگر وضع اجتماعی چگونه بوده است، آیا جامعه «عنعنوی» و «سنتی» بوده است و یا «مردن» صنعتی و یا «مخلوط»، در چه مرحله گذار قرار داشته است؟ بعنوان مثال، به تصویرسخت «چپ» از آن زمان نظر اندازید: موتر، بحیث نمونه «تخنیک جدید»، تولید یک «شهر صنعتی» خارجی، روی سرک در شهر کابل، مورد استفاده قرار می گرفته است. در جوامع و شهر هائیکه، چنین «وسایط» تولید می گردیده است، شهر های آن، دارای «کانالیزیشن» و سیستم «آب رسانی» و «برق» بوده است.

این شهر، به این مرد زحمتکش، توزیع کننده آب نوشیدنی، نیاز داشته و دارد. این هموطنان ما را «سقا» یا «سقاو» می نامند، که آب نوشیدنی را در «مشک ها» حمل نموده می نمایند. آب نل در کابل بنام «آب پغمان» یاد می شد، یا ممکن تا بحال یاد شود. در سراسر شهر پایتخت، بشمول خانه های واقع در دامنه ها و «قله» های «کوه های» که شهر کابل را بدو ساحه عمده تقسیم می کند، از «نل» های مناطق ومحلات شهر، حمل می کنند. در ولایات کشور، ممکن تا همین اکنون، موضوع آب نوشیدنی «صحی» مطرح نباشد، بلکه از آب دریاها، کاریز ها و چاه های ابتدائی کار می گیرند. جای تعجب نیست که این کشور، در صف کشور های دارای پائین ترین اوسط عمر قرار دارد.

معلومات دقیق از بازماندگان یک انجنیر «آلمانی» بدست آمده است، که در زمان «اعلیحضرت امان الله خان»، برای «انجنیر» آلمانی، وظیفه داده شده بود، تا «کانالیزیشن» شهر کابل را، بحیث یک «شهر مردن»، طرح نماید، این طرح متأسفانه، به نسبت «سقوط» رژیم و بعداً بعلت «بحرانات داخلی» و بروز «جنگ دوم جهانی»، تطبیق شده نتوانسته است. حال به متن مجله بر میگردیم:

د پانو شمیره: له ۲تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

در پهلوی عکس «پادشاه» کشور، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، در «فارم کاریز میر»، گزارشگر چنین می



نویسد: «جنتلمین» دهقان، پادشاه محمد ظاهر، افسار یک گاو را در حالی گرفته، که نواسه ایشان، شهزاده محمدنادر، با دقت می بیند. یک نسل دو رگه، که از نسل «جرسی» امریکائی، با نسل محلی افغانی ممزوج گردیده، مقاومتقوی نشان می دهد.

بمنظور ایجاد انگیزه در زراعت افغانستان، بنیاد اقتصادی افغانستان، با پرورش مواشی و گاو و گوسفند که برای کشتار یا فروش سنجیده شده است، با کشت و کار محصولات زراعتی، در «فارم شاهانه»، نزدیک پایتخت، پادشاه



تجاری را در پیش گرفته است یک پادشاه مشروطه، یعنی بیرو قانون اساسی و مشروطیت، ملیس با قدرت وسیع، پادشاه، آهسته آهسته سهمگیری مردم خود را در حکومت توسعه می بخشد. («نیشنل جیوگرافی»، سپتمبر ۱۹۶۸م، صفحه ۳۱۵)

طوری که قبلاً هم ذکر شده است، قریب چهار سال قبل ازین روز ها، «پادشاه» با توشیح قانون اساسی، راه «دیموکراسی» را در پیش گرفت. (در عکس مقابل: در صف اول از سمت چپ: «مرحوم سید شمس الدین مجروح»، وزیر عدلیه و لوی خازنوال، «مرحوم

داکتر محمد یوسف» صدراعظم، «مرحوم عبدالله یفتلی وزیر پلان و معاون صدراعظم»، «مرحوم داکتر محمد حیدر» وزیر مخابرات، مرحوم داکتر عبدالظاهر رئیس ولسی جرگه، مرحوم سید قاسم رشتیا وزیر مطبوعات،

د یانو شمیره: له ۳تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

صف دوم از سمت چپ: مرحوم نوراحمد اعتمادی، معین وزارت امور خارجه، مرحوم داکتر محمد انس، وزیر معارف،



مرحوم داکتر محمد ناصر کشاورز»
وزیر زراعت و آبیاری، ...

در چنین مرحله، حد اقل تصور را دریافت خواهیم داشت، که این کشور در چه شرایط قرار داشته است. مجله «نیشنل جیوگرافی»، بر رویت تصاویر و ارائه «احصائیه ها» و «فکت ها»، تا حد زیادی یاری می رساند.

(نشان اولی از «نیشنل جیوگرافی» گرفته شده است. این دو نشان دیگر از منابع «پورتال افغان جرمن آنلاین»)

برای اینکه چنین تصویر «موزائیک» مانند، مکملتر گردد، تلاش بکار برده خواهد شد، تا از تصاویر منابع مختلف که در مقطع زمانی معین گرفته شده باشد، نیز استفاده شود. از جهت «ساختار های» اجتماعی - اقتصادی، همیشه می تواند سؤال شود، که در همچو جامعه، چه کسی قادر خواهد شد، تا در سرحد «رضایت عموم»، در حل مسایل عدیده و بی شمار، راه حل یا «کانسپیت» مؤثر، مطرح بتواند، در صورتیکه در همه «جهات»، نیروی ماهر به کار و اداره و فعالین سرسپرده را در کشور نداشته باشد. (بخصوص در یک کشور با عمر اوسط پائین و سطح پائین سواد خواندن و نوشتن). «نیشنل جیوگرافی»، در پهلوی گزارش سفر، گزارشگر آن در وقعه های مختلف، معلومات بشکل «فکت» های «تأریخی» و احصائیه های مختلف نیز علاوه نموده است.

در تحت عنوان «افغانستان»، و چاپ نشان دولتی وقت، چنین می نویسد: «مکاتب جدید، آبیاری، و صنعت، آغاز تغییر در کشور کوهستانی ناهموار و یاغی، دهقانان منفرد لنگی پوش و اقوام کوچی، شناخته می شود. طیارات «جیت» در پایتخت، کابل نشست می کند و سرک های جدید («های وی») «اسفالت» شده، شهرهای بزرگ و مهم را باهم ربط می دهد، لیکن اسپ و شتر هنوز هم وابستگی عمده را در اطراف و محلات کشور نشان می دهد. سلسله کوه هندوکش با قله های پوشیده از برف، بمثابة یک دیوار طبیعی با دامنه ها، در سه جهت دشت های وسیع نیز موقعیت داشته، بحيث مسیر کاروان های قدیمی در قلب آسیا شناخته می شود. ازین راه «داریوش»، «الکسندر (یا اسکندر)» و «چنگیز خان» بمنظور فتح و پیروزی سوار هعبور نموده اند، «مارکوپولو» دریای «اوکسوس» (آمو) را تا چین تعقیب نموده است.» در همین متن از بعضی احصائیه های جغرافیائی، بدین متن، تذکر داده شده است:



«مساحت: ۲۵۳۸۶۱ میل مربع، نفوس ۱۵۰۰۰۰۰۰»

(پانزده میلیون). عمدتاً پشتون، تاجک، همچنان ازبک، قرغز، هزاره، ترکمن. زبان: به قریب ۲۰ (بیست) زبان سخن زده می شود: پشتو و دری (پارسی) رسمی.

د یانو شمیره: له ۴تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

دین: اسلام، ۹۰ فیصد سنی.

اقتصاد: کشت و زرع (غله جات، میوه جات، بشمول میوه های خسته دار، پنبه) و مالداری. ذخایر آهن، مس، سرب، ذغال سنگ و نیل کاملاً استخراج نشده است.
شهر های بزرگ: پایتخت کابل (نفوس: ۴۵۰۰۰۰ چهارصد و پنجاه هزار). هرات (قالین و نساجی)، قندهار (مرکز تجاری). (درین عکس، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، چرخي را دور می دهند، تا فوران «نیل» از چاه های حفر شده مشاهده شده بتواند، تصویر پهلو، نتیجه را نشان می دهد).
اقلیم باتغییراتوسیع: ۵۰ درجه (فارنهایت) تغیر بین شب و روز معمول است. درجه حرارت در کابل در زمستان، به تحت صفر نزول می کند. در تابستان حرارت در دشت های جنوب به ۱۲۰ درجه «فارنهایت»، می رسد. «نیشنل جیوگرافی»، سپتمبر ۱۹۶۸م، صفحه ۳۱۱).

در رابطه با کوچی ها، که تصاویری را از حیات جاری آنها در سراسر کشور، به چاپ رسانیده است، در جایی با نشر این عکس در رابطه با همین موی سفید کوچی می نویسد: «کلمه الله، روح حاجی محمد کریم خان، را مسرت و شادی می بخشد. یک ریش سفید قوم در سیستم پدشاهی، مدعی است که ۱۱۱ سال عمر داشته، نیمی از عمر خود را با یک «عینک» شکسته، دارای یک عدسیه، گذرانده است. پادشاه اخیراً برایش به پاس اشتراک در جنگ استقلال در سال ۱۹۱۹م، علیه برتانیه، مقام و یا لقب «جرنیل» داده است. « (نیشنل جیوگرافی»، صفحه ۳۳۶)

به چند «فکت» و آمار ذیل توجه نمائید، که در یک فلم «از ۱۹۶۴م الی ۱۹۷۳م» بمشاهده رسیده است. در مقطع تذکر داده می شود: اوسط طول عمر انسان درین جامعه در آنوقت، فقط «۳۷» سال تخمین شده است.



بر اساس یک تخمین، قریب هفتاد فیصد را «زحمتکشان» و یا «دهقانان» مشغول در بخش زراعت «تشکیل» می داده است. در همین منبع، همه را وابسته به زمینداران بزرگ، یاد نموده است، صرفنظر از اینکه این «آمار» را اینجانب دقیق، نمی دانم، و در ساختار اجتماعی افغانستان تحلیل دیگری در دست است، اما آنچه محتمل است، کشور در مرحله تلاش بسوی ایجاد «اساسات» صنعتی شدن قرار داشته، بیشتر بحیث کشور «زراعتی» و «مالداری» آنها عمدتاً بشیوه «کوچی» یاد شده است.

بر اساس منابع «علمی» و تحقیقاتی دیگر، استفاده از «میتود» های قدیمی، طوایف «آریائی»، نیز تا اکنون از نسل به نسل مورد استفاده قرار می گیرد. طبیعت افغانستان و دره ها و کوه های آنرا، متخصصین خارجی، برای چنین شیوه «پرورش» حیوانات «سبکپای» مساعد، می دانند. البته اگر، تسهیلات ترانسپورتی و «سلاخی ها» و غیره برای کوچی ها، فراهم می شد، تا «مواشی» آنها، با استفاده از وسایل «ترانسپورتی، به «چراگاه ها»، انتقال می یافت، حاصل بهتر و بیشتر از زحمات «کوچی ها»، حاصل شده می توانست.

عاید سرانه را در یکی از فلم ها در همان مرحله فقط \$۱۶۰ امریکائی تخمین نموده است: در یک گزارش دیگری «فلمی» در سال ۱۹۷۳م، اوسط عاید سرانه سالانه فقط معادل \$۷۵ امریکائی خوانده شده است. پنج سال بعد از سال ۱۹۶۸م، آن هم، در همان سال اول «جمهوریت»، ۱۹۷۳م «وال ستریت ژورنال» در یک گزارش آن، از کابل می نویسد: «افغانستان کشوریست با مساحت ۲۵۰۰۰۰ مربع میل، (معادل مساحت تقریبی «تکساس»)، ۷۰ فیصد خاک آنرا دشت ها و زمین هایلازمزروع تشکیل می دهد، فقط از ۶،۵ فیصد آن زرع می گردد. نفوس آن بطور تخمینی بین ۱۲ تا ۱۸ میلیون یاد شده است.» (قریب ۳۳ فیصدخبط – نویسنده این مطلب.) « نفوس آن از اقوام ترکیب یافته، ۲۵ فیصد آنرا کوچی ها تشکیل می دهد، که با گله های شتر و بز و گوسفند، در گردش اند. فقط

د یانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

کمتر از ۱۰ فیصد، با سواد اند. عاید سرانه صریحاً پائینتر از ۱۰۰ دالر در سال تخمین شده است. این کشور فقط یک دستگاه رادیویی و ۲۰۰۰۰ (بیست هزار) تلفون و شش میل («مایل») خط آهن در اختیار دارد.»

از زبان سردار محمد داوود خان کمی بعد از «کودتا» می نویسد: «سطح زندگی، فرهنگ و صحت عامه در کشور ما در پائینترین سطح دنیا قرار دارد.» («والستریٹ ژورنال»، ۲۷ دسمبر ۱۹۷۳م) در همین گزارش، در جایی راجع به شخصیت سردار محمد داوود خان، برداشت خود را از زبان مردم بدین متن می نویسد: «آقای داوود وسیعاً بحیث انسان با هوش و شخصاً صادق و راستکار شناخته می شود. اگرچه به تمایلات، بسوی طرفداری از قدرت متمرکز به فرد و با یک هیأت و هم دارای حالت و مزاج خاص، بدگمان است، گفته می شود، که طرفدار «مدرنیزیشن» است، لیکن نه بر طبق «مودل» غرب. او بصورت کل بحیث یک «ناسیونالیست» («نیشنالیست») افغان شناخته می شود - حتی دشمن بیگانه - نسبت به یک «مارکسیست راستین» یا فریفته شوروی.» (همانجا).

از آنجائیکه درین روز ها، در رابطه با مسائل کشور ما در آنزمان و بخصوص در باره شخصیت سردارمحمد داوود خان شهید، مطالب و قضاوت های گوناگون، بدست نشر سپرده شده است، شخصاً درین جملات، مفاهیم درست را هم می بینم، که نمایانگر هوشیاری، راستکاری و ملی بودن افاده شده است، اما آنچه در رابطه با «قدرت» که بعضاً از آن مفهوم «دیکتاتوری» را استخراج می نمایند، موافقت ندارم، با وجود آنکه ژورنالیست خارجی، خود از کلمه «بدگمانی» نام برده، حکم نکرده است. باز هم لازم است، تا در خصوصیات این شخصیت برجسته تاریخ کشور ما، نه در «چوکات» یک «فرهنگ» جامعه «سرماپداری» یا «سوسیالیستی» صنعتی پیشرفته، قضاوت شود، بلکه جامعه افغانستان را با تمام خصوصیات آن، در نظر گرفت، هرگاه خواهان آن باشیم، که ببطرفانه حقیقت ممکن را دریافت و از این طریق به ماهیت و خصوصیت اصلی پدیده ها و ماهیت نظرات و اهمیت تاریخی خدمات شخصیت های رهبری کشور، واقف شویم. تفصیل درینجا ممکن نیست.

این نویسنده یک نشریه خارجی هم، به حقایق «مطلق» دست نیافته است. موضوع «ملی» بودن این شخصیت را می توان بدون تزلزل پذیرفت. روابط کشور که در زمان وظیفه ایشان بحیث «صدراعظم»، با اتحاد شوروی در آنوقت، جوش خورده است، بعنوان «بدیل» اولی ایشان و «پادشاه» افغانستان، نمی توان یاد کرد. واقعیت اینست که تمایل بیشتر بسوی ایالات متحده امریکا و متحدین غربی آنها وجود داشته است. در شرایط نهایت دشوار، بخصوص بعد از جنگ دوم جهانی، هر دو شخصیت ممتاز رهبری دولت افغانستان، «اعضای یک فامیل»، پلان های انکشافی «پنجساله» را، مشترکاً طرح و در امر تطبیق آن، غمخوری های جدی داشته اند. در رابطه با خصوصیات و اهداف مشترک، «پادشاه» و «همین» صدراعظم، می توان زیاد نوشت. در صفات «ملی» بودن و خواست «صادقانه» برای انکشاف کشور و قدم گذاشتن، بسوی «مدرنیزیشن»، هر یک از ایشان، ثبوت های انکارنا پذیر از خود، بجای مانده اند.

در رابطه با هویت «ملی» افغان و تعریف جامع آنها، از ملت افغان را می توان در قوانین اساسی، عصر و زمان



د پاپو سمیره: له ۱۴ بر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

هر یک از ایشان مطالعه نمود.
نمونه وطندوستی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه فقید «بابای ملت» را می توان، در تصویر مراسم تجلیل از جشن استقلال توسط شاگردان معارف، مشاهده کرد.

خوانندگان عزیز ای که، از زمان سلطنت، تجلیل از جشن استقلال و رسم گذشت شاگردان معارف را بیاد دارند، که در «ستودیم» شهر کابل صورت می گرفت، این تصویر مجله «نیشنل جیوگرافی» برای آنها خوب می تواند، آشنا باشد. همه می دانند که در «لوژ» محل نشست «پادشاه»، مأموران عالیرتبه و «دیپلومات های» خارجی جای می داشته اند. در مقابل «لوژ» نوشته سفید را در زمین «سرخ»، ببیند، که «هیواد» یعنی «وطن» نقش شده است. این صحنه ها را با جشن های بعدی اگر تجلیل شده باشد، خود مقایسه کنید. عاقلان را اشاره بس است.

پایان

د پانو شمیره: له ۷تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ